

A Comparative Study of the Notification of Charges in Islamic Jurisprudence, Iranian Law, and Western Legal Systems

Morteza Fathi

Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran, Email: m99fathi@yahoo.com

Abstract

Following the commission of a criminal offense and the initiation of criminal proceedings, one of the inalienable rights of every individual in the position of an accused person—subsequent to identity verification—is the right to be informed of the charges, known as the notification of charges. This right underpins the accused’s ability to mount a defense and enables the judicial authority to impose appropriate criminal safeguards. Using a descriptive-analytical method, the author seeks to elucidate the various dimensions of this subject within Islamic jurisprudence, Iranian law, and Western legal systems. In cases of in flagrante delicto, law enforcement officials may notify the accused of the charges, while in other cases, this task is undertaken by the judicial authority, initially during preliminary investigations and subsequently at trial. Mere reference to the legal classification of the offense does not suffice; rather, the accused must be made aware of the nature of the alleged criminal act. Therefore, when necessary, the elements of the offense must be communicated to the accused. Silence by the accused or their attorney following the notification of charges does not imply admission or denial of the charges or the presented evidence, but it does result in the court’s ruling being rendered in absentia. Issuance of a judgment against mentally incompetent persons or juvenile offenders with punitive, corrective, or protective measures is contingent upon prior notification of charges. Otherwise, such measures are impermissible. A conviction rendered without proper notification of charges is subject to appeal, and upon appeal, the court of review must convene a hearing and is obligated to overturn the judgment. However, if no appeal is filed and the judgment becomes final, the absence of charge notification does not invalidate the ruling.

Keywords: judge, accused, right of defense, notification of charges, silence.

Received: 2023/07/05 ; **Revised:** 2024/08/11 ; **Accepted:** 2024/08/21 ; **Published online:** 2024/12/21

How To Cite: Fathi, Morteza (2023). A Comparative Study of the Notification of Charges in Islamic Jurisprudence, Iranian Law, and Western Legal Systems, *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 11(4), 185-206. <https://doi.org/10.22091/CSIWL.2024.9649.2436>

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research



بررسی تطبیقی تفهیم اتهام در فقه اسلامی و حقوق ایران و غرب

مرتضی فتحی

استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران، رایانامه: m99fathi@yahoo.com

چکیده

متعاقب وقوع جرم و آغاز رسیدگی کیفری، پس از احراز هویت، از حقوق غیر قابل انکار هر کس در مقام متهم، اطلاع از اتهام، تحت عنوان تفهیم اتهام است که از آثار آن، دفاع متهم و اتخاذ تأمین کیفری توسط مقام قضایی است. پژوهنده با روش توصیفی تحلیلی درصدد تبیین ابعاد موضوع مقاله در فقه اسلامی حقوق ایران و حقوق غرب بوده است. تفهیم اتهام، توسط ضابطان در جرائم مشهود و مقام قضایی، ابتدا در تحقیقات مقدماتی و سپس در محکمه به عمل می‌آید. در تفهیم اتهام، صرف اعلام عنوان جرم به متهم رفع تکلیف نمی‌کند، بلکه لازم است که متهم از جرم ارتكابی آگاه شود، لذا عنداللزوم باید عناصر جرم به متهم تفهیم گردد. اگر بعد از تفهیم اتهام، متهم یا وکیل وی سکوت کند به معنای رد یا قبول اتهام و دلایل ابرازی علیه او نیست، ولی موجب حضوری بودن رأی دادگاه می‌گردد. حکم علیه مجانین یا اطفال بزهکار، به تنبه یا تأدیب یا هر اقدام تأمینی و تربیتی متوقف بر تفهیم اتهام است؛ وگرنه خیر. عدم تفهیم اتهام و متعاقباً صدور حکم محکومیت آن حکم قابل تجدیدنظر بوده و آن حکم اعتراض شده در دادگاه تجدیدنظر، موجب تشکیل جلسه و در مرجع تجدیدنظر موجب نقض رأی است، ولی اگر حکم بدون اعتراض قطعی شود، عدم تفهیم اتهام موجب بی اعتباری حکم نیست.

کلیدواژه‌ها: قاضی، متهم، حق دفاع، تفهیم اتهام، سکوت.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۴؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۳۱؛ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱
استاد به این مقاله: فتحی، مرتضی (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی تفهیم اتهام در فقه اسلامی و حقوق ایران و غرب، پژوهش تطبیقی حقوق

اسلام و غرب، ۱۱(۴)، ۱۸۵-۲۰۶. <https://doi.org/10.22091/CSIW.2024.9649.2436>

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم



مقدمه

شخصی که مرتکب جرم می‌شود، جامعه به خود حق می‌دهد که در صورت احراز شرایط مسئولیت کیفری وی را به مجازات برساند. دادرسی کیفری به‌عنوان پل ارتباطی میان جرم و مجازات به تنظیم واکنش از زمان ارتکاب جرم تا اعمال کیفر می‌پردازد (خالقی، ۱۳۸۳: ۲۹) که باید از اصول دادرسی عادلانه‌ای پیروی کند. منظور از دادرسی عادلانه، فرایندی است که به‌موجب آن متهم از کشف جرم تا محاکمه و اجرای حکم در پناه مقرراتی قرار گیرد که حقوق وی را تضمین کند (رحمدل، ۱۳۸۸: ۳۱۲). آگاهی متهم از جرم انتسابی از بدیهی‌ترین حقوق است تا با اطلاع از ارتکاب و انتساب آن از خود دفاع شایسته‌ای را به عمل بیاورد. حق بر آگاهی به معنای حق دسترسی شهروندان به اطلاعات موجود در مؤسسات حکومتی، یکی از مصادیق مهم حقوق بشر است (ساریخانی و اکرمی سراب، ۱۳۹۱: ۳۷) که حق بر تفهیم اتهام را می‌توان زیر مجموعه آن دانست و بدین طریق آزادی بیان نیز تضمین می‌گردد.

از نظر واژه‌شناسی، تفهیم اتهام از دو جزء «تفهیم» و «اتهام» تشکیل شده است. تفهیم در لغت به معنای فهمانیدن و رساندن معنا به شونده به وسیله لفظ است و اتهام نیز به معنای تهمت نهادن بر کسی است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۸۶۵-۱۰۱۸). در نگاه اول، تفهیم اتهام به معنای فهماندن اتهام به متهم است؛ اما در اصطلاح، به معنای اعلام رسمی توأم با سرزنش مقامات صالح ملی مبنی بر ارتکاب جرم به کار می‌رود.^۱ به عبارت روان‌تر، تفهیم اتهام به معنای توجه و درک متهم نسبت به اتهامی است که به او منتسب و علیه او مطرح شده است. از این رو، باید گفت که تفهیم اتهام ناظر بر حقوق دفاعی متهم است؛ یعنی مجموعه امتیازات و امکاناتی که در یک دادرسی منصفانه متهم از آن برخوردار می‌شود (امیدی، ۱۳۸۳: ۲۲۵) و نبود آن‌ها، دادرسی منصفانه را به مخاطره می‌اندازد.

حقوق دفاعی متهم از جمله تفهیم اتهام مفهوم گسترده‌تر دادرسی منصفانه را تشکیل می‌دهد.^۲ تفهیم اتهام به دلیل اهمیتی که در حقوق اسلام دارد مورد توجه خاص آیات قرآنی قرار گرفته و از جمله در سوره فصلت آیه ۵۰ آمده: «وَلَئِنْ أَدْنَاهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لَلْحُسْنَىٰ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ». تفهیم اتهام در بند ۱ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸^۳، بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۵۰^۴، بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب

۱. CEDH 27 fev 1980, Deweerc/Belgique, Serie A, n0 35, s 42

۲. CEDH 30 Oct 1991, Borgers c/Belgique, Serie A, n0 214 B s 25

۳. ماده ۱۱ بند ۱: هر شخصی که به بزهکاری متهم شده باشد بی‌گناه محسوب می‌شود تا اینکه در جریان محاکمه‌ای علنی که در آن تمام تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، مجرم بودن وی به طور قانونی محرز گردد.

۴. ماده ۶ بند ۳: هر متهمی به ویژه حق دارد: الف: در کوتاهترین مهلت، به زبانی قابل فهم و به تفصیل از ماهیت و علت اتهام وارد بر خود مطلع شود. ب: از فرصت و تسهیلات کافی برای تمهید دفاعیات خود بهره مند گردد.

۱۹۶۶^۱ و بند (ه) ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر اسلامی مصوب ۱۹۹۹،^۲ مورد تصریح قرار گرفته است. برخی از موارد حقوق دفاعی در اولین قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۲۹۰ در ماده ۱۲۵،^۳ آمده که بر ضرورت تفهیم موضوع اتهام و دلایل آن به متهم تأکید داشت، در این خصوص قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سی و دوم مقرر می‌دارد: «... در صورت بازداشت موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات خواهد شد».

تصویب و اجرای قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در سال ۱۳۷۳، مقرراتی در مورد تفهیم اتهام مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفت، اما در سال ۱۳۷۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در مواد ۱۲۹ و ۱۹۲ به آن اشاره کرد.^۴ اکنون قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مواد ۴۶ و ۱۹۵ و ۳۹۶ تفهیم اتهام را مورد تصریح قرار داده است.^۵ تحقیقاً این اندازه از قوانین و مقررات حاکم نمی‌تواند به صراحت پاسخگوی همه مباحث مطروحه راجع به تفهیم اتهام باشد. لذا در این خصوص سؤالاتی مطرح است؛ از جمله اینکه ۱. تفهیم اتهام باید متضمن چه مفاهیمی باشد؟ ۲. آیا نسبت به اطفال بزهکار و مجانین هم تفهیم اتهام صورت می‌گیرد؟ ۳. عدم تفهیم اتهام چه اثری در اعتبار رأی دارد؟ ۴. اگر شخصی بخواهد برای خود وکیل بگیرد آیا مقام قضایی باید تفهیم اتهام را معلق بر حضور شخص با وکیلش نماید؟ به منظور پاسخ به سؤالات فوق و مباحث مشابه با لحاظ آموزه‌های حقوقی و فقهی تحت عناوین موجبات تفهیم اتهام، ملاحظات تفهیم اتهام و در انتها ماهیت دفاع متهم

۱. ماده ۱۴ بند ۳: در مورد قطعی شدن جرم علیه فرد، هرکس حق دارد که با تساوی کامل از حداقل حقوق تضمین شده ذیل برخوردار گردد. الف: بیدرنگ و به تفصیل با زبانی که او بفهمد از نوع و علت اتهامی که به او نسبت داده شده است آگاه گردد.

۲. ماده ۱۹ بند ه: متهم بی‌گناه است تا اینکه محکومیتش از راه محاکمه عادلانه‌ای که همین تضمین‌ها برای دفاع از او فراهم باشد ثابت گردد.

۳. ماده ۱۲۵: قاضی... سپس موضوع اتهام و دلایل آن را به صورت صریح به متهم تفهیم می‌کند آنگاه شروع به تحقیق می‌نماید.

۴. ماده ۱۲۹: قاضی... موضوع اتهام و دلایل آن را به صورت صریح به متهم تفهیم می‌کند آنگاه شروع به تحقیق می‌نماید. ماده ۱۹۲: ... پس از آن دادگاه موضوع اتهام و دادخواست مدعی و تمامی ادله شکایت و اتهام را به متهم تفهیم و شروع به رسیدگی خواهد کرد.

۵. ماده ۴۶: ... چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند

ماده ۱۹۵: ... سپس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می‌کند ...

ماده ۳۹۶: ... سپس رییس دادگاه موضوع اتهام و تمام ادله آن را به متهم تفهیم و سپس شروع به رسیدگی می‌کند.

مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۱. اهمیت تفهیم اتهام

به درستی که «انسان را نمی‌توان پیش از حکم قاضی مجرم شناخت» (بکاریا، ۱۳۸۹: ۵۳). لازمه مجرم شناختن وی دادرسی عادلانه و مقتضای آن تفهیم اتهام به ارتکاب جرم است. تفهیم اتهام از سه جهت حائز اهمیت است:

اول، از جانب کسی که مورد خطاب قرار می‌گیرد، یعنی متهم، زیرا متهم پس از آن می‌تواند از خود دفاع کند، حق دفاع از اتهام از حقوق بشری هر انسان است. این حق دفاع، متوقف بر آگاهی از اتهام و فهم و آن است. نمی‌توان از کسی که از اتهامش بی‌اطلاع است انتظار دفاع داشت و حق اوست که بداند به ارتکاب چه جرمی متهم است تا با استناد و توسل به دلایل و مدارک مربوطه، دفاع شایسته‌ای از خود به عمل بیاورد. در غیر این صورت متهم در معرض خود متهم‌سازی و نقض قاعده البینه علی المدعی است (رحمدل، ۱۳۸۸: ۳۱۵). به عبارتی اصل عدم متهم کردن خود لازمه منطقی تفهیم اتهام است؛

دوم، از جانب قاضی که اقدام به تفهیم اتهام می‌کند، درعین حال که تفهیم اتهام حق متهم است نسبت به مقام قضایی یک الزام و تکلیف قانونی به حساب می‌آید، مقام قضایی به‌عنوان نماینده جامعه در تلاش است رفتار متهم را با عناصر جرم تطبیق دهد و بعد از اینکه احراز کرد متهم مرتکب جرم شده است، تصمیم به مجرمیت وی بگیرد. تحقیق راجع به وقوع جرم و انتساب آن به متهم می‌طلبد که از مرتکب جرم سؤالات مربوطه به عمل آید تا واقعیت، در مناقشه با متهم در ذهن قاضی شکل بگیرد. به دست آوردن اطلاعاتی راجع به متهم در غیاب او، اطمینان‌آور نیست، بلکه احراز موضوع و عناصر جرم و رسیدن به حکم قانونی و عادلانه با دفاع متهم ممکن می‌شود که لازمه آن تفهیم اتهام است؛

سوم، نظم دادرسی اقتضا می‌کند که جلسات بازجویی نزد هر مرجع قانونی شروع مشخصی داشته باشند، یعنی زمانی که متهم در مراجع قانونی حاضر می‌شود باید نقطه شروعی برای مواجهه با او باشد، این شروع پس از احراز هویت متهم، تفهیم اتهام است به‌گونه‌ای که موجب نظم و انضباط در دادرسی می‌شود و این موضوع در قرآن کریم در آیه ۱۳ سوره قیامت به آن اشاره شده و خداوند می‌فرماید: «يَبْنَئُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ».

۲. موجبات تفهیم اتهام

برای اینکه بتوان نسبت به متهم تفهیم اتهام کرد، باید موجبات آن فراهم شود، موجبات تفهیم اتهام شامل وقوع جرم، سبق وجود دلیل، حضور متهم، استعلام از هویت متهم، فهم موضوع اتهام و صلاحیت قضایی است که به شرح زیر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱. وقوع جرم

تفهیم اتهام، متعاقب وقوع جرم و انتساب آن جرم به شخصی خاص است. به خاطر اینکه اوست که اوامر

و نواهی قانون‌گذار را نقض کرده است و باید مسئول شناخته شود، به همین دلیل افرادی که دخالتی در وقوع جرم نداشته‌اند، هر چند ممکن است به موجب قانون در دادرسی مداخله کنند، ولی نمی‌توانند مورد تفهیم اتهام قرار گیرند. بنابراین به اولیاء و سرپرستان که جرم به آن‌ها منتسب نباشد، نمی‌توان تفهیم اتهام کرد، بر همین اساس باید گفت هر چند عاقله،^۱ در مورد جنایت خطای محض و نابالغ و دیوانه مسئول پرداخت دیه است چون جرمی را مرتکب نشده است، نمی‌توان او را از باب مسئولیت جزایی ناشی از عمل دیگری متهم دانست (اردبیلی، ۱۳۷۵: ۲۲۱). هر چند عاقله را در قتل خطای محض باید برای دادرسی دعوت کرد تا عنداللزوم دفاع کند که جرم منتسب به متهم یا ناشی از خطای محض متهم نیست. برخی معتقدند استعمال واژه دفاع در این ماده درست نیست، چون عاقله برای اثبات مطلب دعوت می‌شود (زراعت، ۱۳۸۷: ۲۴۰). این نظر خالی از اشکال نیست، به خاطر اینکه همواره در مقابل ادعا، دفاع وجود دارد، لذا اگر عمل ارتكابی خطای محض باشد، آنجا که عاقله مسئول پرداخت دیه می‌شود، می‌تواند از خود دفاع کند تا دیه نپردازد. چون عاقله جرمی را مرتکب نشده است، پس مسئولیت جزایی ندارد. لذا نسبت به او، تفهیم اتهام صورت نمی‌گیرد، ولی نداشتن مسئولیت جزایی مانع از مسئولیت وی به پرداخت دیه نیست، بلکه لازم است عاقله طی فرایند دادرسی مدنی به سبب فعل غیر به محکمه احضار گردد.

۲-۲. سبق وجود دلیل

وقوع جرم کافی نیست تا شخصی احضار یا جلب و سپس تفهیم اتهام شود، بلکه برای اینکه بتوانیم آن را به مرتکب نسبت بدهیم، باید دلیلی وجود داشته باشد که بتواند اصل برائت را منتفی و جرم را به وی انتساب داد. این مسئله در سوره یوسف آیه ۷۵ به آن اشاره شده و خداوند کریم می‌فرماید: «قُولُوا جَزَاءُ مَنْ وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاءُ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ» وقوع جرم یک واقعیت است و دلیل وسیله اثبات آن است (آشوری، ۱۳۸۶: ۲۳۱) که تکلیف ارائه آن با مدعی است. با تقدیم شکایت تحقیقات آغاز می‌گردد، ولی به صرف شکایت مقام قضایی نمی‌تواند کسی را به عنوان متهم احضار یا جلب کند. مطابق ماده ۱۶۸ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، احضار یا جلب متهم فرع بر وجود دلیل کافی است. بنابراین بعد از شکایت، مقام قضایی مکلف به تحقیق و جمع‌آوری دلیل است تا بتواند متهم را احضار یا جلب کند، هرچند تفهیم اتهام غیر از دلایل اثبات آن است؛ ولی طبق ماده ۱۹۵ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ مقام قضایی علاوه بر تفهیم اتهام باید دلایل آن را نیز به متهم تفهیم کند، در غیر این صورت با اصل برائت در

۱. عاقله در ماده ۴۶۸ قانون مجازات اسلامی تعریف شده است: عاقله عبارت از پدر، پسر و بستگان ذکور نسبی پدری و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث است. همه کسانی که در زمان فوت می‌توانند ارث ببرند به صورت مساوی مکلف به پرداخت دیه می‌باشند.

تعارض است. بنابراین می‌توان گفت که دلیل از دو جهت حائز اهمیت است، اول، اینکه دلیل قبل از احضار یا جلب متهم، باید در دسترس قاضی باشد تا اینکه بتواند بعد از آن اقدام به احضار و جلب متهم و سپس تفهیم اتهام کند تا تعارض با اصل برائت پیدا نشود؛ دوم، اینکه دلیل باید بعد از تفهیم اتهام بلافاصله به متهم ارائه گردد. به طوری که دفاع متهم به صرف تفهیم اتهام به عمل نمی‌آید، بلکه بعد از استماع دلایل راجع به آن علیه خود است.

۲-۳. حضور متهم

حضور متهم جهت تفهیم اتهام نزد قاضی ضروری به نظر می‌رسد و خداوند مهربان در سوره مجادله آیه ۶ می‌فرماید: «يَوْمَ يَعْتَصِمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَنْبِئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»^۱ واه‌های یبعثهم و ینبئهم بر این موضوع دلالت داشته است. مقام قضایی با حضور متهم نزدش موجب می‌شود، قاضی از صحت و سقم هویت مرتکب و همچنین بعضی عکس‌العمل‌های خاص که به هنگام حضور در مراجع قضایی به صورت غیرارادی از مرتکب سر می‌زند آگاه می‌شود (مثل حرکات بدن و تن صدا و تغییر رنگ صورت) که اصطلاحاً آن‌ها را زبان بدن^۲ می‌نامند، بعضاً به نفع متهم هم است که با قاضی چهره به چهره شود، چون در بازجویی حضوری فرصت متهم برای تحت تأثیر قرار دادن قاضی بر بی‌گناهی خویش بیشتر است. عبارتی تفهیم اتهام در ایران حضوری است که در این راستا بند ۳ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بر حضوری بودن آن تأکید نموده است. لذا از طریق تلفن، ایمیل و... نمی‌توان تفهیم اتهام کرد.

در ایالات متحده آمریکا، مطابق با قوانین آیین دادرسی کیفری فدرال مصوب ۲۰۱۱، حضور فیزیکی متهم برای تفهیم اتهام ضروری است؛ اما دادگاه در دو مورد به صورت غیابی اقدام به تفهیم اتهام می‌کند: نخست، جایی که متهم به صورت مکتوب از حضور در دادگاه صرف‌نظر می‌کند و دادگاه نیز آن را می‌پذیرد؛ دوم، جایی که تفهیم اتهام از طریق ویدئو از راه دور انجام می‌شود. اگرچه تفهیم اتهام به وسیله ویدئو می‌تواند مزایایی همچون کاهش هزینه‌ها، صرفه‌جویی در زمان و کاهش مشکلات ناشی از نقل و انتقال متهمین به دادگاه را به همراه داشته باشد، اما در عین حال، مقامات قضایی از مشاهده مستقیم متهم و بررسی خصوصیات شخصیتی و روانی وی محروم می‌گردند، که این امر می‌تواند در تعیین واکنش کیفری مناسب به منظور اصلاح و کاهش بازدارندگی محکوم مؤثر باشد.

تحقیقاً، تفهیم اتهام به شخصی که به عنوان شاهد یا مطلع احضار شده است، صحیح نیست؛ زیرا شخص مورد تفهیم اتهام، متهم است و ایشان به عنوان متهم احضار نشده‌اند. به علاوه، چنانچه شهود یا مطلع، پس از تحقیق در همان جلسه، در مظان اتهام قرار گیرند، لازم است طبق ماده ۲۱۳ قانون آیین

دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، با صدور احضاریه‌ای که حاوی نوع اتهام است و در وقت دیگری که حداقل پنج روز پس از آن باشد، به‌عنوان متهم ابلاغ شده و نزد قاضی حاضر گردند؛ مگر در موارد اتهام به جرائم خاص که طبق ماده ۱۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، امکان جلب متهم را بدو فراهم می‌کند. در این صورت، ابتدا با دستور قاضی، برگ جلب متضمن خصوصیات اختاریه از جمله نوع اتهام صادر شده و توسط نیروی انتظامی جلب انجام می‌شود و متعاقباً تفهیم اتهام صورت می‌گیرد. بر این اساس می‌توان گفت که در خصوص موارد اخیر، تشریفات جلب جایگاه خاصی ندارد؛ یعنی چنانچه از نظر قانونی امکان جلب متهم وجود داشته باشد و متهم به‌عنوان شاهد یا مطلع نزد قاضی حاضر شود، قاضی می‌تواند بدون رعایت تشریفات جلب، از وی به‌عنوان متهم تحقیق نماید.

۴-۲. استعلام هویت

بعد از اینکه متهم در مراجع قضایی حاضر شد و قبل از اینکه تفهیم اتهام صورت بگیرد، مقام قضایی باید مطابق ماده ۱۹۳ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ ابتدا اوراق هویت متهم را ملاحظه نماید و سپس مشخصات متهم، شامل نام، نام خانوادگی، نام پدر، شهرت، سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان، تابعیت، مذهب، سابقه کیفری در موارد ضروری و مرتبط، همچنین نشانی محل سکونت و محل کار او، اعم از شهر، بخش، دهستان، روستا، خیابان، کوچه، شماره و کد پستی منزل، شماره ملی، پیام‌نگار و شماره تلفن ثابت و همراه او را به‌طور دقیق پرسش کند، به‌نحوی که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق قضایی به متهم به آسانی مقدور باشد. قاضی پس از احراز هویت متهم و پیش از شروع تحقیق باید وفق ماده ۱۹۵ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، به وی اعلام کند مواظب اظهارات خود باشد، به صرف اینکه در اوراق بازجویی چنین مطلبی نوشته شده باشد کافی نیست، به خاطر اینکه ممکن است متهم سواد کافی خواندن یا فهم آن را نداشته باشد یا متوجه آن نشود، علی‌الخصوص زمانی که شخص برای اولین بار در چنین موقعیتی قرار می‌گیرد، معمولاً دچار اضطراب و استرس است و اساساً چه‌بسا تذکر شفاهی که ملزم با تفهیم باشد، توجه انسان را بیشتر از نوشته‌ها جلب کند، از این جهت تذکر شفاهی عبارات مزبور لازم و حائز اهمیت است.

همین طور محلی را که متهم به‌عنوان محل اقامت خود اعلام می‌کند، محل اقامت قانونی او محسوب می‌شود. باید مطابق ماده ۱۹۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ به متهم تفهیم شود و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد، باید محل اقامت جدید را اعلام کند. لازم به ذکر است که در خصوص تکلیف قاضی به اعلام حق سکوت و حق انتخاب وکیل، قانون‌گذار در قانون آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ حقوق دفاعی متهمان را مورد توجه قرار داده است، به‌گونه‌ای که بازپرس مکلف است وفق ماده ۱۹۰ این قانون، پیش از شروع تحقیق، حق استفاده از وکیل را به متهم ابلاغ و تفهیم کند که عدم تفهیم این حق به‌موجب تبصره یک همین ماده منجر به بی‌اعتباری تحقیقات می‌گردد. در تبصره یک اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴ قانون‌گذار

صرفاً به ضمانت اجرای انتظامی اکتفا نموده است.

نکته‌ای که در این خصوص قابل توجه است عبارت است از حق تعیین وکیل توسط متهم با تحقیق از وی، یعنی چنانچه متهم در ابتدا جلسه بازجویی بخواهد از این حق خود استفاده کند که چه‌بسا وکیل مورد نظر وی در دسترس نباشد تا زمان دسترسی به وی جلسه تحقیق از متهم به شرط استفاده وی از وکیل به تعویق خواهد افتاد که موجب اطاله دادرسی و اساساً تکرار دیگر اقدامات از جمله تصمیم تأمین کیفری می‌گردد که متوقف بر تفهیم اتهام است. اما در خصوص سکوت متهم به سؤالات تحقیق، علی‌رغم اینکه این حق در ماده ۱۹۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ مورد تصریح قرار گرفته است، اما به تفهیم این حق به صورت معجزا تصریح نشده است. این در حالی است که دستورالعمل اتحادیه اروپا در مبحث پنجم از بند اول ماده ۳ تفهیم حق سکوت را ضروری دانسته است. در حقوق آمریکا به موجب قاعده میراندا در پرونده میراندا علیه آریزونا، تفهیم حق سکوت به‌عنوان نخستین حقی شمرده شده است که می‌بایست به متهم تفهیم گردد (Samaha, 2012: 65). زیرا طبق قاعده البینه علی المدعی، بازپرس برای تحقیق از متهم باید دلیل داشته باشد، در غیر این صورت، اصل بر براءت است و متهم تکلیفی به ارائه دلیل برای براءت خود ندارد، حال چنانچه متهم تفهیم اتهام و دلایل شده باشد، حق اوست که با طرح دلایل متقابل از خود دفاع کند، وگرنه آگاهانه خود را در معرض مجرمیت و محکومیت قرار داده است، لذا به خوبی روشن است با تفهیم این حق، حقوق متهم به خوبی تضمین خواهد شد.

۲-۵. فہم موضوع اتهام

احراز ارتکاب جرم و حکم به محکومیت مستلزم تحقیق از مرتکب است و تحقیق از جرم ارتكابی با تفهیم اتهام به متهم شروع می‌شود، هر چند لزوماً ارتکاب جرم دلالت از مسئولیت کیفری ندارد. به بیان دیگر، تفهیم اتهام به معنای داشتن مسئولیت کیفری نیست. مطابق با مواد ۱۴۶ و ۱۵۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ اطفال و مجانین مرتکب جرم می‌شوند ولی مسئولیت کیفری نداشته باشند، البته اطفال به دو دسته تقسیم می‌شوند: اطفال ممیز و اطفال غیر ممیز. اطفال ممیز تا اندازه‌ای حسن و قبح اعمال را درک می‌کنند، اما اطفال غیر ممیز حتی از این درک نیز محروم هستند، لذا هر گونه برخورد با آن‌ها ولو در قالب حکم به تنبیه یا نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به‌عنوان ضمانت اجرای رفتارشان معقول نخواهد بود. قانون‌گذار در ماده ۲۷۲ و تبصره ۱ ماده ۳۷۵ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ طفل غیر ممیز را در حکم وسیله بی‌اراده دانسته است و وی را هم‌ردیف حیوان قرار داده است.^۱ شاید به همین خاطر بوده است که قانون

۱. ماده ۲۷۲: هر گاه کسی مال را توسط مجنون، طفل غیر ممیز، حیوان یا هر وسیله بی‌اراده‌ای از حرز خارج کند، مباشر محسوب می‌شود و در صورتی که مباشر طفل ممیز باشد رفتار آمر حسب مورد مشمول یکی از سزای تعزیری است. تبصره ۱ ماده ۳۷۵: اگر اکراه شونده طفل غیر ممیز یا مجنون باشد، فقط اکراه‌کننده محکوم به قصاص است.

مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۸۸ راجع به اطفال زیر نه سال در صورت ارتکاب هر گونه رفتاری که برای دیگران جرم است، هیچ گونه مسئولیتی پیش‌بینی نکرده است. بنابراین در مورد اطفال غیرممیز به دلیل فقدان قوه درک و تمییز، تفهیم اتهام انجام نمی‌شود، اما اطفال ممیز را نمی‌توان از فرصت دفاع محروم کرد و بدون تفهیم اتهام آن‌ها را به اقدامات تأمینی تربیتی محکوم کرد.

طبق ماده ۸۷ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲،^۱ نه سال تمام شمسی ملاک تمییز طفل ممیز از غیرممیز است، چراکه قبل از آن حسب این اماره قانونی طفل در صورت ارتکاب جرم با هیچ ضمانت اجرایی مواجه نخواهد شد، گویا به این خاطر که وی قدرت تشخیص ندارد. مطابق بند ۳ (الف) از ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، متهم باید معنا و مفهوم اتهام را دریابد که این تأکیدی بر عدم تفهیم اتهام به اطفال غیر ممیز است. در یکی از پرونده‌ها، دیوان اروپایی حقوق بشر این گونه اظهار نظر کرده است: «با طفل متهم به ارتکاب جرم به گونه‌ای برخورد شود که کاملاً وضع سنی، رشد توانایی‌های ذهنی و احساسی او ملحوظ شود.» (CEDH, 16 December 1999, T a V, C/England, para 86). بدین ترتیب می‌توان گفت با لحاظ شرایط متهم اعم از اطفال و بیماران روانی اینکه در چه حدی از درک و فهم قرار دارند با آن‌ها رفتار می‌شود. لذا همان‌طور که برای بالغین مستند به ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ امکان صدور قرار تأمینی متعاقب تفهیم اتهام است، برای اطفال بزه‌کار هم مطابق ماده ۲۸۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ وقتی تصمیم به سپردن یا هر قرار تأمینی دیگر صادر می‌شود که قبل از آن به وی تفهیم اتهام صورت گیرد، اگر چه موضوع اختلافی است.

مطابق با ماده ۱۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، «هرگاه مرتکب در زمان وقوع جرم دچار اختلال روانی باشد به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمییز گردد، مجنون محسوب می‌شود و مسئولیت کیفری ندارد.» می‌توان مجانین را به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول، کسانی که دچار اختلال روانی نسبی اند؛ دسته دوم، شامل آن‌هایی می‌شود که در اختلال روانی تام قرار دارند، زیرا هر اختلال روانی به منزله فقد اراده یا تمییز نیست. مواردی که اختلال روانی منجر به فقد اراده یا تمییز نمی‌گردد، مسئولیت تأمینی و تربیتی نسبت به این عده بیماران روانی را به همراه دارد (نوربها، ۱۳۸۶: ۳۰۵). از این منظر باید گفت که علی‌الاصول، کسانی که در حالت جنون تام قرار دارند، به دلیل نداشتن درک و فهم از موضوع اتهام، حکمی علیه آن‌ها صادر نمی‌شود، پس تفهیم اتهام هم نمی‌شوند؛ اما آن عده‌ای که در مرز بین سلامتی و جنون قرار دارند؛ یعنی فاقد اراده و تمییز به‌شمار نمی‌آیند، در صورت ارتکاب جرم و محکومیت به تأدیب یا اقدامات تأمینی و تربیتی توسط دادگاه، باید مورد تفهیم اتهام قرار گیرند.

۱. ماده ۸۷: درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند: ...

۲-۶. صلاحیت قضایی

صلاحیت را می‌توان به شایستگی قانونی و نیز قابلیت مرجع قضایی در رسیدگی به یک دعوای کیفری تعبیر کرد (آشوری، ۱۳۸۶: ۴۸). مرجع قضایی که اقدام به تفهیم اتهام می‌کند، باید صلاحیت ذاتی رسیدگی به این جرم را داشته باشد، بنابراین کسی که متهم به محاربه است، در دادگاه عمومی تفهیم اتهام نمی‌شود و باید با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده به مرجع صالح (دادگاه انقلاب) ارجاع شود. در این دادگاه است که باید نسبت به متهم، تفهیم اتهام صورت گیرد، به خاطر اینکه اگر مرجعی صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به جرمی را نداشته باشد اقدامات انجام شده، مثل تفهیم اتهام، منشأ اثر نخواهد بود و محکوم به بطلان است. در مورد صلاحیت محلی تحقیقات به عمل آمده از سوی مرجع غیر صالح، باطل نیست و صرفاً پرونده جهت ادامه رسیدگی نزد مرجع صالح ارسال می‌گردد. گاهی اوقات ممکن است تفهیم اتهام از سوی مقامی صورت بگیرد که به استناد ماده ۴۲۱ ق.آ.د.ک مصوب ۹۲، جهات رد دادرسی در او وجود داشته باشد، در این گونه موارد، هر چند قاضی، مرتکب تخلف از این ماده شده است، ولی موجبی برای بطلان تحقیقات مقدماتی متعاقب تفهیم اتهام نیست.

قانون‌گذار در ماده ۲۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۷۸ مقرر داشته بود، چنانچه ضابطان دادگستری در جرائم مشهود، بازداشت متهم را ضروری بدانند، باید موضوع اتهام را با ذکر دلایل به متهم ابلاغ کنند، این ابلاغ اتهام غیر از تفهیم اتهام است. ضابطان دادگستری پس از ابلاغ اتهام، تکلیفی به استماع دفاعیات و اتخاذ تصمیم متعاقب آن ندارند، اما قاضی باید پس از تفهیم اتهام، دفاعیات متهم را استماع و تصمیم قضایی لازم را اتخاذ کند. شاید به همین جهت بود که قانون‌گذار در ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ مستند به ماده ۴۶ ضابطان دادگستری را مکلف کرد که علاوه بر ابلاغ اتهام به متهم، تفهیم اتهام نیز انجام دهند تا بر اساس آن هم ضابطان دادگستری و هم مقام قضایی بتواند به صرف ملاحظه اوراق تحقیقات مقدماتی نزد ضابطان دادگستری تصمیم لازم را اتخاذ کند.

۳. ملاحظات تفهیم اتهام

بعد از اینکه موجبات تفهیم اتهام به متهم فراهم شد، زبان، زمان، مکان، محتوای تفهیم اتهام، کمیت و کیفیت آن و بالاخره ضمانت اجرای عدم تفهیم اتهام از مهم‌ترین ملاحظات می‌باشند که در ذیل به شرح آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۳-۱. زبان

مطابق اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، زبان و خط رسمی و مکاتبات باید فارسی باشد، بنابراین تفهیم اتهام باید به زبان فارسی انجام شود. در صورتی که متهم ناشنوا باشد یا قدرت تکلم نداشته باشد، مقام قضایی مطابق ماده ۲۰۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ از فرد مورد وثوق استفاده می‌کند. حال اگر

متهم زبان فارسی نداند با لحاظ شق (الف) بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ که اشعار می‌دارد؛ ارائه اطلاعات به متهم باید به زبانی باشد که او بفهمد تا مفید فایده باشد و مطابق ماده ۲۰۰ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ مقام قضایی از مترجم مورد وثوق استفاده می‌کند. در این قانون ذکر نشده است که پاسخ و دفاعیات متهم با چه زبانی باید نوشته شود. آیا باید عیناً به زبان متهم نوشته شود یا ترجمه آن در صورت جلسه ذکر گردد؟ در فرانسه، رئیس جلسه در صورتی که متهم یا یکی از شهود زبان فرانسه را نفهمد یا به قدر کافی حرف نزنند و یا کر و لال باشد از مترجم استفاده می‌کند (استفانی و دیگران، ۱۳۷۷: ۱۰۵۴). برای اینکه در بازبینی مجدد پرونده، اقرار به سؤال و پاسخ‌های داده شده از سوی متهم حاصل شود، در این خصوص لازم است سؤال‌ها و پاسخ‌ها عیناً با همان زبان متهم نوشته و سپس ترجمه شوند، تا شبهه‌ای در فهم اتهام و دفاع و استماع آن‌ها پیدا نشود و بدین ترتیب تضمینی برای حسن رعایت به امانت‌داری نیز باشد.

۲-۳. کتبی بودن

پایه و اساس رسیدگی کیفری با توجه به سیستم تفتیشی، صورت جلسه‌ها و اوراقی است که در روند رسیدگی تنظیم می‌شود و همین اوراق در مراحل بعدی رسیدگی مورد بازبینی قرار می‌گیرد، لذا اگر معتقد به تفهیم اتهام شفاهی باشیم، امکان بررسی اینکه تفهیم اتهام انجام شده بود یا نه، در مراحل بعدی وجود ندارد و حداقل قطعی نیست. لذا با لحاظ اصل سی و دوم قانون اساسی که اشعار می‌دارد «... در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود...» و تأکید آن در ماده ۴۶ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ ضروری است که تفهیم اتهام کتبی باشد.

۳-۳. زمان و مکان

اصل سی و دوم قانون اساسی و ماده ۴۶ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، بر فوریت تفهیم اتهام بعد از حضور متهم نزد قاضی تأکید کرده‌اند. به همین منوال، ماده ۴ دستورالعمل اتحادیه اروپا در مورد متهمان محروم از آزادی مقرر نموده که باید بلافاصله برگه تفهیم حقوق به آنان ارائه شود و به آنان فرصت داده شود تا آن را مطالعه نمایند و مجاز باشند تا این برگه را نزد خود نگهدارند. تفهیم اتهام نزد ضابطان مطابق ماده مزبور در هر جایی امکان‌پذیر است. در ماده ۱۹۵ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ آمده است که تفهیم اتهام نزد مقام قضایی باید بعد از حضور متهم و پیش از شروع تحقیق و پس از اعلام حقوق وی انجام گیرد و تعطیلات نیز نمی‌تواند مانع از این فوریت شود، حتی در مواردی هم که لازم است متهم تحت نظر قرار گیرد، مقام قضایی ابتدا اقدام به تفهیم اتهام می‌کند، سپس تصمیم قضایی لازم را اتخاذ می‌کند. بنابراین نمی‌توان حتی قبل از تفهیم اتهام متهم را تحت نظر نگه داشت، ممکن است در برخی موارد تفهیم اتهام با تأخیر و پس از اتمام مأموریت صورت می‌پذیرد. به عنوان مثال اگر در محل وقوع جرم شخصی با سلاح گرم،

بالای سر مقتول دستگیر شود و او ارتکاب قتل را بپذیرد، دیگر منطقی نخواهد بود که پلیس او را شعارگونه از اتهام وارد بر او مطلع سازد (پرادل و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۰۱).

مطابق ماده ۱۸۷ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ در صورت اهمیت و فوری بودن امر جزایی که امکان حضور متهم و تفهیم اتهام در مرجع قضایی وجود ندارد، مثلاً جایی که متهم به دلیل بیماری کهولت سن یا معاذیر موجه از حضور نزد مراجع قضایی معذور است، مقام قضایی دادسرا ملزم است، برای بازجویی نزد متهم برود. مفهوم مخالف آن این است که در موارد غیر مهم و غیر فوری و مواردی که امکان تحقیقات وجود ندارد عذر بیماری متهم مانع از حضور متهم و در نتیجه مانع از فوریت تفهیم اتهام می‌شود و بعد از بهبودی تفهیم اتهام صورت می‌گیرد، اما زمانی که قاضی دادگاه مطابق ماده ۱۹۲ ق.آ.د.ک. اقدام به تفهیم اتهام می‌کند، تفهیم اتهام صرفاً در دادگاه انجام می‌شود.

۳-۴. محتوای تفهیم اتهام

در ابتدا لازم به ذکر است بین تفهیم اتهام و ادله آن و تفهیم این حق به متهمان تمیز قائل شد. به گونه‌ای که مقام مربوطه ابتدا تفهیم می‌کند، مبنی بر اینکه شما حق اطلاع از اتهام و ادله آن را دارید و سپس اتهام را به متهم تفهیم می‌کند. بحث تفهیم اتهام به زبان قابل فهم مورد عنايت منابع اسلامی قرار دارد آنجا که خداوند تعال در سوره جمعه آیه ۸ می‌فرماید: «قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»؛ همچنین این موضوع در دستورالعمل مجلس و شورای اتحادیه اروپا در باره حق بر اطلاعات در رسیدگی‌های کیفری مصوب ۲۲ می ۲۰۱۲ میلادی در مبحث (c) از بند اول ماده ۳ خود، تفهیم حق تفهیم اتهام را به متهمان ضروری تلقی نموده است. اما در حقوق ایران، قانون‌گذار صرفاً به تفهیم اتهام و ادله آن اکتفا نموده است. مراجع قضایی در مقام تفهیم اتهام صرفاً نباید به ذکر عنوان مجرمانه اکتفا کنند، به خاطر اینکه ممکن است متهم در فهم و تشخیص عناوین مجرمانه از یکدیگر دچار اشتباه شود، مثلاً متهم به عنوان یک فرد عادی نتواند اختلاس و تصرف غیرقانونی را از هم تشخیص دهد. به همین خاطر برخی ضابطه تفهیم اتهام را بر اساس رأی دیوان در پرونده کاماسینسکی علیه اتریش، امکان ارائه دفاع قوی و مستدل از سوی متهم دانسته‌اند (پرادل و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۵۷). چون ممکن است متهم عاجز از ارائه دفاع قوی و مستدل باشد.

در برخی از کشورها مثل آلمان، متهم علاوه بر اینکه از اتهامی که علیه او وجود دارد آگاه می‌شود، بلکه از کیفر قابل اجرا نیز به وسیله مقامات قضایی مطلع می‌شود.^۱ در ایران دانستن یا ندانستن متهم از کیفر جرم ارتكابی تأثیری بر عنوان و عناصر جرم انتسابی به متهم ندارد. همچنین حق متهم است که

1. Section 136: [First Examination]

(1) At the commencement of the first examination, the accused shall be informed of the offence with which he is charged and of the applicable criminal law provisions.....

مستند قانونی و عناصر مادی و روانی جرم را به عنوان بخشی از مطالب تفهیم اتهام بداند. باید اتهاماتی را به متهم تفهیم کرد که اساس حقیقی و حقوقی آن صریح و روشن باشد (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۶۷)؛ یعنی عملی که در مقام تفهیم اتهام به متهم نسبت داده می شود، باید در عالم خارج اتفاق افتاده باشد یا به عبارتی حقیقت داشته باشد و دیگر اینکه قانون گذار برای آن عنوان مجرمانه در نظر گرفته باشد.

مقام قضایی نمی تواند به طور علی الحساب بعضی از عناصر اتهام را تفهیم کند و بعضی دیگر را برای زمان دیگر بگذارد. تفهیم اتهام به صورت جزئی کافی نیست و باید تمام عناصر جرم را یکجا به متهم تفهیم شود. مقام قضایی همان گونه که جرم خاصی را به متهم تفهیم می کند، باید نحوه دخالت متهم را نیز به او تفهیم کند؛ برای مثال اگر مقام قضایی نظر به معاونت دارد باید صریحاً یکی از مفاهیم معاونت در قانون را به متهم تفهیم کند. مقام قضایی در تفهیم اتهام تابع گزارش یا شکایتی نیست که به او ارائه شده است، بلکه هر آنچه را که خود از قانون استنباط می کند به متهم تفهیم می کند. بنابراین مقام قضایی باید، عنوان مجرمانه مناسب را انتخاب کند. هرگاه عمل ارتكابی متهم عناوین مجرمانه متعددی داشته باشد (تعدد معنوی) اگر چه باید هر یک از عناوین مجرمانه به او تفهیم شود که ممکن است جداگانه یا با هم باشد.

تفهیم اتهام باید به صورت جمله خبری باشد، لذا نمی توان با جمله شرطی تفهیم اتهام کرد، تفهیم صریح موضوع اتهام اقتضا می کند از به کار بردن الفاظ فنی و نامأنوس پرهیز شود، البته بیان عنوان مجرمانه نباید به گونه ای باشد که موجب رعب و هراس مرتکب شود (زراعت، ۱۳۸۲: ۲۳۶). بعد از تفهیم اتهام، متهم اگر باسواد باشد، مطابق ماده ۱۹۹ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ که مربوط به تحقیقات مقدماتی است شخصاً پاسخ خود را می نویسد. ولی اگر به خاطر ملاحظات، قاضی یا کس دیگری دفاعیات را می نویسد باید بدون تفسیر، تبدیل و یا تحریف مطابق عین و ترتیب کلام متهم بنویسد. درحالی که در دادگاه، حتی اگر متهم باسواد باشد، در اجرای ماده ۳۶۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ مقام قضایی معمولاً دفاعیات وی را در صورت مجلس می نویسد، اما با لحاظ کثرت دفاعیات قاضی می تواند آن را به کارمندان دفتری دادگاه یا حتی خود متهم واگذار کند.

تفهیم اتهام غیر از تفهیم دلایل است، لذا مقام قضایی باید در اجرای ماده ۱۹۵ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ دلایل اتهام را نیز همراه با تفهیم اتهام به متهم تفهیم کند. بند ۳ (الف) ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز بین تفهیم دلایل و تفهیم اتهام تفکیک قائل شده است. منظور از تفهیم دلایل این است که متهم بتواند متوجه دلایلی شود که علیه او وجود دارد. بر این اساس تفهیم دلایل به صورت کلی از مقام قضایی رفع تکلیف نمی کند، مثلاً اگر دلیل اتهام شهادت شهود باشد، باید به متهم نه فقط دلیل خاصی به نام شهادت شهود تفهیم شود، حتی عباراتی از شهادت شاهد که به نظر قاضی موجب احراز و انتساب جرم به متهم است نیز به متهم تفهیم شود. اینکه آیا باید هویت شهود هم به متهم گفته شود بحث است؟

به نظر برخی ارائه ندادن مشخصات شهود به متهم دفاع او را سخت به مخاطره می اندازد (آخوندی، ۱۳۸۴: ۱۲۰). در این خصوص باید گفت همیشه این گونه نیست، چه بسا قاضی ممکن است به لحاظ مصلحت جلوگیری از تبانی و درگیری متهم با شاهد، هویت وی را فاش نکند که این موضوع به درستی در ماده ۲۱۴ ق.آ.دک مصوب ۱۳۹۲ مورد تصریح قرار گرفته است.

۳-۵. کمیت و کیفیت تفهیم اتهام

در هر رسیدگی کیفری نسبت به هر متهمی دو بار تفهیم اتهام صورت می گیرد. یک بار برای تحقیقات مقدماتی که معمولاً در دادرسی انجام می شود، بار دیگر در دادگاه به منظور محاکمه. هم اکنون به موجب ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، قانون گذار دو نوع ترتیب رسیدگی در دادگاه را تعیین نموده است. یکی به صورت کلی است و دیگری اختصاص به دادگاه های کیفری یک و دو دارد. در رسیدگی نوع اول، بحثی از تفهیم اتهام نشده است؛ یعنی در جرائمی که به موجب این مواد به آن ها رسیدگی می شود، در دادگاه نسبت به متهم تفهیم اتهام انجام نمی گیرد، بلکه صرفاً به موجب بندت ماده ۳۵۹ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ نسبت به متهم انتساب اتهام صورت می گیرد و آن هم در قالب کیفرخواست است. درحالی که در مواردی که مقررات دادرسی دادگاه کیفری یک اعمال می شود، شاید به جهت خطرناکی اتهام در ماده ۳۹۶ ق.آ.د.ک تصریح شده که رئیس دادگاه، موضوع اتهام و تمام ادله آن را به متهم تفهیم و شروع به رسیدگی می نماید که مطمئناً توجیه خطرناک نبودن جرم در دادگاه کیفری دو، کافی برای عدم تفهیم اتهام در دادگاه نیست. لذا در غیر از مواردی که بر اساس ترتیبات دادگاه کیفری یک به پرونده رسیدگی می شود، صرفاً یک بار تفهیم اتهام انجام می گیرد و آن هم توسط مقامات دادرسی است. تفهیم اتهام در دادرسی به خود متهم و غیرعلنی خواهد بود، اما در دادگاه تفهیم اتهام علنی و در مواردی که مطابق ماده ۳۴۵ ق.آ.د.ک متهم در دادگاه حاضر نمی شود و وکیل معرفی می کند، می توان گفت که در این گونه موارد وکیل متهم مورد خطاب مقام قضایی قرار می گیرد.

شورای حل اختلاف نیز از مراجعی است که صلاحیت رسیدگی به بعضی جرائم را دارا است، مطابق ماده ۱۸ این قانون مصوب ۱۳۹۴ رسیدگی در شورا از حیث اصول و قواعد تابع مقررات قانون آیین دادرسی کیفری است، یعنی یک بار تفهیم اتهام کافی است. بحثی که وجود دارد در مورد سازمان تعزیرات حکومتی است، مطابق تبصره ۲ ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مصوب ۱۳۷۳/۷/۱۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام، رسیدگی و صدور حکم در این سازمان مطابق آیین نامه ای خواهد بود که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید. مطابق ماده ۲۷ این آیین نامه که در تاریخ ۱۳۷۳/۸/۱ به پیشنهاد وزیر دادگستری به تصویب رسید «رسیدگی و صدور رأی در شعب بدوی پس از استماع دفاعیات متهم صورت خواهد گرفت، دفاع ممکن است ضمن حضور در جلسه رسیدگی بوده و یا طی ارسال لایحه دفاعیه باشد»، این گونه برداشت می شود که تفهیم اتهام لازم

نیست و قانون‌گذار متخلفین تعزیرات حکومتی را از ابتدایی‌ترین حق در رسیدگی، یعنی تفهیم اتهام محروم کرده است که جای تأمل دارد، هر چند رویه عملی سازمان تعزیرات حکومتی نظر به تفهیم اتهام به متخلف دارد.

در صورت صدور حکم غیابی و واخواهی متهم و مؤثر دانستن آن از سوی دادگاه چون وی در هیچ یک از جلسات قبل حاضر نبوده است، لذا تفهیم اتهام ضروری است. اگر متهم واخواهی نکند و از حق تجدیدنظرخواهی استفاده کند، دادگاه تجدیدنظر اقدام به تفهیم اتهام می‌کند. بعد از اینکه رأی بدوی صادر شد، ممکن است این رأی مورد تجدیدنظرخواهی قرار بگیرد. دادگاه تجدیدنظر مرجعی است که هم بررسی موضوعی می‌کند و هم اینکه محتویات پرونده را با قانون تطبیق می‌دهد، حال اگر پرونده در دادگاه تجدیدنظر بدون نیاز به تشکیل جلسه مورد بررسی قرار گیرد، دیگر نیازی به تفهیم اتهام نیست، اما اگر دادگاه تجدیدنظر مطابق ماده ۴۵۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ مستلزم تعیین وقت و احضار طرفین باشد یا در مرحله بدوی بدون تفهیم اتهام حکم محکومیت صادر شده باشد با لحاظ اینکه در مرحله تجدیدنظر مطابق ماده ۴۵۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲،^۱ ترتیبات رسیدگی مرحله بدوی رعایت می‌شود، لذا در این مرحله نیز بعد از استعلام هویت نسبت به متهم تفهیم اتهام انجام می‌گیرد. دیوان عالی کشور برخلاف دادگاه تجدیدنظر صرفاً رسیدگی شکلی می‌کند بنابراین اقدام به تفهیم اتهام نمی‌کند. اما اگر در پرونده از متهم تفهیم اتهام به عمل نیامده باشد یا آنچه را که به عنوان تفهیم اتهام به عمل آمده مطابق با محتویات پرونده نباشد رأی را نقض و پرونده را جهت ادامه رسیدگی به مرجع صادرکننده حکم اعاده می‌کند.

۳-۶. ضمانت اجرای عدم تفهیم اتهام

از جمله حقوق متهم، آگاهی از اتهام انتسابی است که توسط ضابطان و مقامات دادگستری انجام می‌گیرد. علی‌رغم تکلیف ضابطان به تفهیم اتهام در ماده ۴۶، صراحتاً ضمانت اجرایی برای عدم تفهیم این حق در نظر گرفته نشده است. اما می‌توان از ماده ۵۲ ق.آ.د.ک مصوب ۹۲ استفاده نمود که تفهیم حقوق مندرج در این قانون را از تکالیف ضابطان قرار داده و ضمانت اجرای آن در ماده ۶۳ ق.آ.د.ک سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است. حال اگر مقام قضایی متهم را از این حق محروم کند، ضمانت اجرای آن مطابق ماده ۱۹۶ ق.آ.د.ک مصوب ۹۲ محکومیت انتظامی تا درجه ۴ است. در حقوق آمریکا، عدم تفهیم هر یک از حقوق متهم منجر به بی‌اعتباری ادله تحصیلی می‌گردد. بدین ترتیب در صورتی که پلیس، حقوق متهم را مطابق قاعده میراندا به وی تفهیم نکند، دادستان نمی‌تواند اظهارات به دست آمده از متهم

۱. ماده ۴۵۴: احضار، جلب، رسیدگی به ادله، صدور رأی و سایر ترتیبات در دادگاه تجدیدنظر استان مطابق قواعد و مقررات مرحله نخستین است.

را به عنوان دلیل مورد استناد قرار دهد (Ruchmann, 2007, 18) که به نظر می‌رسد این ضمانت اجرا تحت تأثیر قاعده استثنایی است و به موجب این قاعده امکان استناد به ادله تحصیلی ناشی از روش‌های غیرقانونی ممنوع می‌گردد (نیوبور، ۱۳۸۹: ۴۶۰). به عبارتی زمانی که تفهیم اتهام صورت نمی‌گیرد، ادله تحصیلی بعدی غیرقانونی تلقی می‌گردد چون حق دفاع متهم رعایت نگردیده است.

در حقوق ایران به غیر از ضمانت اجرای انتظامی، به نظر می‌توان ضمانت اجرای کیفری و مدنی نیز برای مقامات دادسرا و دادگاه در نظر گرفت، زیرا مطابق بند ۳ از ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳، «محاکم و دادسراها مکلف هستند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.» بدون تردید، تفهیم اتهام یکی از حقوق دفاعی متهم است که بدون آن حقوق دفاعی معنا پیدا نمی‌کند.

مبحث دهم از قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، تحت عنوان بطلان تحقیقات مقدماتی است که ماده ۱۷۱ آن مقرر می‌دارد: «هنگامی که عدم رعایت تشریفات اساسی پیش‌بینی شده توسط مقررات قانون حاضر یا دیگر مقررات آیین دادرسی کیفری، به منافع اصحاب دعوی که تشریفات راجع به آن‌هاست، لطمه وارد آورد، این امر موجب بطلان می‌گردد.» (تدین، ۱۳۹۱: ۱۶۳).

با عنایت به اینکه، ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ در موارد بسیاری متأثی از ق.آ.د.ک. فرانسه است، می‌توان پیشنهادی با تلفیق مواد قانونی ارائه نمود. مطابق تبصره ماده ۴۵۵ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ می‌گوید: «عدم رعایت تشریفات دادرسی موجب نقض رأی نیست، مگر آنکه تشریفات مذکور به درجه‌ای از اهمیت باشد که موجب بی‌اعتباری رأی گردد.» بنابراین، اصل بر این است که عدم رعایت تشریفات دادرسی موجب نقض رأی نمی‌گردد، مگر آنکه حائز اهمیت باشد. اینکه چه تشریفات حائز اهمیت است، می‌توان از ماده ۱۷۱ ق.آ.د.ک. فرانسه استنباط نمود؛ بدین نحو که هرگاه عدم رعایت تشریفات، موجب ضرر به منافع اصحاب دعوی گردد، منجر به نقض رأی می‌گردد و این را می‌توان از موارد بطلان ذاتی به شمار آورد. منظور از بطلان ذاتی، بطلانی است که در ماده قانونی مشخصی پیش‌بینی نشده است، ولی به علت نقض مقررات اساسی، مثل حقوق دفاعی متهم که تشخیص آن با مقام قضایی است، می‌تواند مورد حکم قرار گیرد (زراعت، ۱۳۹۰: ۴۱). حال فرض کنیم بدون تفهیم اتهام رأی صادر گردد، تحقیقاً منافع متهم در خطر خواهد بود و او از این بابت متضرر خواهد شد، لذا عدم رعایت این حق را می‌توان از موارد نقض رأی دانست.

نتیجه‌گیری

پس از وقوع جرم و آغاز رسیدگی کیفری توسط قاضی با حضور منتسب‌الیه جرم و احراز هویت وی، از حقوق دفاعی غیر قابل انکار هر شخص به عنوان متهم، اطلاع وی از اتهام خود تحت عنوان خاص تفهیم

اتهام است که از آثار آن، امکان دفاع و توجیه وی از جرم انتسابی و تکلیف قاضی به استماع آن و اتخاذ هر تصمیم یا تأمین کیفری علیه وی است. هر متهمی که حکم محکومیت کیفری علیه وی صادر می‌شود، در جرائمی که ترتیب رسیدگی آن بر اساس دادگاه کیفری یک است، حداقل دو مرتبه تفهیم اتهام انجام می‌شود. یکی، ابتدا در تحقیقات مقدماتی اعم از دادرسی یا دادگاه و دوم، در محکمه بدوی توسط قاضی صاحب حکم به متهم یا وکیل وی اتهام تفهیم می‌گردد و مواردی که بر اساس دادگاه کیفری دو به اتهام رسیدگی می‌شود، صرفاً یک بار تفهیم اتهام انجام می‌گیرد.

اگر در دادگاه تجدیدنظر جلسه‌ای تشکیل شود، تائید یا انشا حکم، به محکومیت محکوم علیه بدوی متوقف بر تفهیم اتهام در آغاز جلسه است. در تفهیم اتهام، صرف اعلام عنوان جرم به متهم رفع تکلیف نمی‌کند، بلکه لازم و حق متهم است که از جرم انتسابی آگاه شود، لذا عنداللزوم باید عناصر جرم به متهم تفهیم گردد؛ تحقیقاً منظور، آن عناصری است که در قانون به عنوان مقوم جرم آمده است و نیاز به اثبات دارد. اگر بعد از تفهیم اتهام، متهم یا وکیل وی سکوت کند و حتی بعداً هم هیچ دفاع یا اظهاری نکنند به معنای رد یا قبول اتهام و دلایل ابرازی علیه متهم نیست؛ ولی به سبب حضور متهم یا وکیل وی، رأی دادگاه حضوری اعلام می‌شود. حکم دادگاه کیفری، علیه اطفال ممیز بزهکار یا بیمارانی که به سبب ارتکاب جرم، به تنه یا تأدیب یا هر اقدام تأمینی و تربیتی، متوقف بر تفهیم اتهام است، اما اگر طفل غیرممیز یا شخص در حالت جنون تام باشد، چون علیه آن‌ها حکمی صادر نمی‌شود، تفهیم اتهام به آن‌ها هم توجیهی ندارد.

حکم محکومیت بدوی قابل تجدیدنظر بدون تفهیم اتهام، در دادگاه تجدیدنظر، موجب تشکیل جلسه و انشای رأی تجدیدنظری است و در دیوان عالی کشور، صرف نظر از صحت یا سقم رأی، موجب نقض رأی بدوی و ارجاع پرونده به دادگاه صادرکننده حکم جهت رفع ایراد، از جمله تفهیم اتهام و انشا مجدد رأی است، ولی اگر حکم قطعی، بدوی یا تجدیدنظری، علی‌رغم نبود تفهیم اتهام در پرونده، صادر شود، عدم تفهیم اتهام موجب بی‌اعتباری حکم قطعی نیست، بلکه یک تخلف قاضی از وظایف مربوطه است.

فهرست منابع

- آخوندی، محمود (۱۳۸۴). *آیین دادرسی کیفری*، جلد ۵ (کاربردی). چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- آشوری، محمد (۱۳۸۶). *آیین دادرسی کیفری*، جلد ۲، چاپ هشتم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۵). «مسئولیت کیفری ناشی از فعل دیگری در حقوق کیفری ایران»، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۶ و ۱۷.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۵). «تفهیم اتهام یا حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام»، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۳.
- استفانی، گاستون؛ ژرژ لواسور، برنار بولوک (۱۳۷۷). *آیین دادرسی کیفری*، ترجمه: حسن دادبان، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- امیدی، جلیل (۱۳۸۳). «دکتر آشوری و حقوق دفاعی متهم»، منتشره در: علوم جنایی (در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری). چاپ ۱، تهران: انتشارات سمت.
- بکاریا، سزار (۱۳۸۹). *رساله جرائم و مجازات‌ها*، ترجمه: محمدعلی اردبیلی، چاپ ۶، تهران: نشر میزان.
- برادل، ژان؛ گرت کورستز؛ گرت فرملن (۱۳۹۳). *حقوق کیفری شورای اروپا*، ترجمه: محمد آشوری، چاپ ۱، تهران: انتشارات خرسندی.
- تدین، عباس (۱۳۹۱). *قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه*، چاپ ۱، تهران: انتشارات خرسندی.
- خالقی، علی (۱۳۸۳). «علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی»، پژوهش‌های حقوقی، شماره ۵.
- خالقی، علی (۱۳۸۷). *آیین دادرسی کیفری*، چاپ ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*، جلد ۱ و ۵، چاپ ۲، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رحمدل، منصور (۱۳۸۸). «دادرسی عادلانه و مقررات دادرسی کیفری ایران»، منتشره در: تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها). تهران: میزان.
- زراعت، عباس (۱۳۸۲). *اصول آیین دادرسی کیفری*، چاپ ۱، تهران: انتشارات مجد.
- زراعت، عباس (۱۳۸۷). *شرح قانون مجازات اسلامی (دیات)*. چاپ ۱، تهران: ققنوس.
- زراعت، عباس (۱۳۹۰). *بطلان در آیین دادرسی کیفری*، چاپ ۱، تهران: نشر میزان.
- ساریخانی، عادل؛ روح‌الله اکرمی سراب (۱۳۹۱). «مبانی فقهی حق بر اطلاعات»، مجله حکومت اسلامی، سال هفدهم، شماره ۳.
- شاملو، باقر (۱۳۸۳). «اصل برائت در نظام‌های نوین دادرسی»، منتشره در: در علوم جنایی (در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری). تهران: انتشارات سمت.
- طه، فریده؛ لیلا اشرفی (۱۳۸۶). *دادرسی عادلانه*، چاپ ۱، تهران: میزان.
- لارگیه، ژان (۱۳۷۸). *آیین دادرسی کیفری (فرانسه)*. م کاشفی اسمعیل‌زاده حسن، چاپ ۱، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- نوربها، رضا (۱۳۸۶). *زمینه حقوق جزای عمومی*، چاپ ۱۸، تهران: نشر دادآفرین.
- نیوبر، دیوید دبلیو (۱۳۸۹). *نظام عدالت کیفری و ساختار محاکم در آمریکا*، ترجمه: حمیدرضا قراگزلو، چاپ ۱، تهران: نشر مجد.

References

Ruschmann, Paul (2007), *Miranda Rights*, Infobase Publishin, printed in the united state of America.

Samaha, Joel(2012), *Criminal Procedure*, Wadsworth, printed in the united state of America.

- قوانین

Code of Criminal Procedure France, 15 June 2000. federal rules of criminal procedure of usa

federal rules of criminal procedure of usa, amended 1 december 2011.

The german code of criminal procedure, 1950 amended 2008.

- نظرات دیوان اروپایی حقوق بشر www.hudoc.echr.coe.in

CEDH 27 fev 1980,Deweerc/Belgique,Serie A,n0 35,s.

CEDH 30 Oct 1991,Borgers c/Belgique,Serie A,n0 214 B s 25.

CEDH,16 December 1999,T a V,C/England,para 86.

In Persian

Akhundi, Mahmoud (2005), *Criminal procedure*, 5th volume, First edition, Tehran, Majd Publications

Ashuri, Mohammad (2007), *Criminal procedure*, 2nd volume, 8th edition, Tehran, Samt Publications

Ardabili, Mohammad Ali (1996), *Criminal liability for acts of another in Iranian criminal law*, Legal Research Journal of Shahid Beheshti University, 16th and 17th, pp. 221-248

Ardabili, Mohammad Ali (2006), *explanation of criminal charge or the right to know the subject and reasons of the charge*, Legal Research Journal of Shahid Beheshti University, 43rd, pp. 59-94

Stephanie, Gaston et al (1998), *Code of Criminal Procedure*, first volume, first Edition, Translated by Hasan Dadban, Tehran, Allameh Tabatabaei University Publications

Omidi, Jalil (2004), *Dr. Ashuri and the defendant's defense rights*, Published in Criminal Sciences, first edition, Tehran, Samt Publications

Beccaria, S. (2010), *Treatise of Crimes and Punishments*, Translated by Mohammad Ali Ardabili, 5th edition, Tehran, mizan Publications

Corstens, Geert, Pradel, Jean (2014), *European criminal law*, Translated by Mohammad Ashuri, first edition, Tehran, khorsandi Publications

Tadin, Abbas, (2012), *French Criminal Procedure Code*, first edition, Khorsandi publications

Khaleghi, Ali (2004), *Publicity of Trial in the Light of International Documents and Domestic Law*, Journal of Legal Research, pp. 29-50

Khaleghi, Ali (2014), *Criminal Procedure*, first volume, Tehran, Shahr Danesh Institute of Legal Studies and Research

Dehkhoda, Ali Akbar (1998), *Dehkhoda dictionary*, volume 10, second edition, Tehran: University of Tehran Publishing and Printing Institute

Rahmdel, Mansour (2012), *fair trial and criminal procedure regulations of Iran*, New Criminal Sciences, Tehran, Mizan publications

- Zeraat, Abbas (2003), Principles of Criminal Procedure Code, first edition, Tehran, Majd publications
- Zeraat, Abbas (2008), Description of the Islamic Penal Code, first edition, Tehran, Qoqnoos publications
- Zeraat, Abbas (2012), Nullity in Criminal Procedure Code, first edition, Tehran, Mizan publications
- Sarikhani, Adel and Akrami, Ruhollah (2012), Jurisprudential(fiqhi) Principles of Right to Information, Journal of Islamic Government, 7th year, 3rd
- Shamlou, Baqer (2005), the principle of criminal acquittal in modern justice systems, Published in criminal sciences, first edition, Tehran, Samt publications
- Fair Trial (2006), translated by Farideh Taha and Leila Ashrafi, first edition, Tehran, Mizan publications
- Largier, Jean (1999), French criminal procedure, translated by Hasan Kashfi Ismailzadeh, first edition, Tehran, Ganj Danesh Library
- Noorbaha, Reza (2007), Foundations of General Criminal Law, 8th edition, Tehran, Dadafarin publications
- Neubauer, David W (2010), America's Courts and the Criminal Justice System, Translated by Hamidreza qaragozlou, first edition, Tehran, Majd publications

